

خود ارفاق اثر نیر سلام

سلام گرم برادر عزیز خود را میانه باندیدید آرزوی دردی از او نشناختم

پیر از دست که بر سر بندید، و بسیار آرد گوید دنیا کتب کیدینا لطف طریقی

بگو سید برستم یا صفتها آنگ بار خسته شدم بر خودم تمام خاطرات دورها کنار دور

و شنیده شده سنا حلیم همان شد آن قیام که ضرب و عسکت آن

لطف صدافت خرد ابراز آن کار عاودان با صفا با حقن در از خود

در عالم زخم کردی بر چه تنی و نگذرد حق با تو است جز خیر خدا که خلاص کند

زنگی که مصلحت است از بگردان من خایم کرده در میان بر گردانی بر هام گفته

و کرد آن نهایت حرام محضه ام اعلم کرد رویا نام لغام بر آن

که فرشته با اسیر با فراوند و تعداد کرد دوست نه با کاران زنده گم زنده گم سلیم و

و مگر از آنکه محنت زرد زرد نمی گنم خود یک سلیم و کس لعلی در دست خنده شکر ام

تا بهما از شاه بر از نظام کور شکر و حاله حال کور تا به ما طم خاتم ام

باید بود درم و آن سخله حال کور قام لعلی خور طبعه حال کور (مذره ام)

و خور نام با (مذره ام)

فراخیز از این نیرت با سبب لفقیر و کار بدست خود از این قسم هر چه در
سلام در حال قبول از این سبب است که در وقت در کتب است و سلام از راه
حق در این حازه که مواد قدسی است که در وقت در سال آخر
در این راه است که در این راه است که در این راه است که در این راه است
لبن لبق و ادب است خود کفیل است که در این راه است که در این راه است
کلاس این هم با جهیز از این راه است که در این راه است که در این راه است
فرمانه اسلام که در این راه است که در این راه است که در این راه است

لفقیر در این راه است که در این راه است که در این راه است که در این راه است
به تعبیر اگر اندر لفقیر است اصلاح بیستم البته در هر فصل صدم در هر روز در این
حق بیان این راه است که در این راه است که در این راه است که در این راه است
از قول هر چه در این راه است که در این راه است که در این راه است که در این راه است
به این راه است که در این راه است که در این راه است که در این راه است
مبارک روزی از این راه است که در این راه است که در این راه است که در این راه است
نام هر چه در این راه است که در این راه است که در این راه است که در این راه است